

کوفتن **صوم** بالغه کوش ازین بردن **صله** بکصد و اول غیر هر چه صلیقت  
شم کل صلاوم بالغه قویا و الصلدم باکسر و بی حلدته **صمام** بالغه تیغ بزان کباب  
کار و ونام سلیقت **صمم** باکسر هر دو صا در درشت دکواته و دلیر بزرگ در کار  
وسط و میان قوم و بالغه هر دو صا دخیل **صمم** خالص مخرجه بی و اصل جهتی و استخوان  
که بدان توام اعضا است و شدت کوی و پوست خشک بالای تخم مرغ و مرد خالص  
جمع و مفرد آمده **صمم** بختین کوی و کزانی کوش و باکس و تیغ نیم مردان دلیر و شیران  
و بارهای زهره جمع **صمم** بالغه و نشدیم نیم ناسنون و بالغه ناسنون ککان و  
سنگهای سخت هر دو جمع **صمم** و باکس مرد دلیر و شیر درنده **صمام** باکس چیزی که بدان  
رسیده به بند **صمم** بختین کندی بوی و صفت و صاف کوی کس کوی بدین معنی  
موجب است و این می قاسم است چه سخن در فارسی است پرست را کویینه  
بست از تیغ صا و کس لوان مرد که بوی **صوم** بالغه روزه و روزه دار و روزه  
داران جمع و مفرد آمده و درخت و کلیسای نرسایان و سرکین شتر مرغ و ایستادن  
و خاموش بودن و در طعام و آب خوردن باز در شستن و ایستادن بکار و ایستادن  
ستوری غلفت و سرکین انگلستان شتر مرغ و راست ایستادن روز وقت بقیع الفهار  
**صمیم** روزه دار و روزه دار است جمع و مفرد آمده **صیام** باکسر روزه در شستن آمده  
داران جمع **صم** مع **الذی** بالغه باز در شستن و منع کردن شکی و بهر که از کوی است  
کردن مقام کفایت در کف خود و بعد از آن انداختن او **صماون** معروف و این لفظ  
در کز لغت ترک و واقع شده و نام دیگر شنبه شده **صمیان** باکس کویکان چیزی  
و بغیر از آنده **صمن** بالغه نیکو کردن و صاف کردن میان قوم و زدن و طبع بزرگ  
و دادن چیزی در طبق و میان خانه و آلت روین مانند طبق که بر طبق دیگر زدن و  
زند و از تیغ نیز کوشید و هر دو طبق را صمان کوی **صمان** از شتر است با و از لهر زد

صمان

حصارشان بدان معرب جفایان و نسبت بدان صفای و صافایی کویند و از آنجا است  
ارام حسن این بر صاحب کس با شارق **صغون** بالغه سفید و نظای از جرم که در روی  
آب کس و وضو سازند و این نشان و نشانه آن که از او اسباب خود در آن نشد  
و بالغه پوست خایه مرد و جز آن و بالغه فایز آمده و زردی و نشفته شتر و بختی توام  
کیا ه آنچه در رویش باشد و خانه که زبور و مانند آن نیز غلبت دهند برای خود باکس  
کردن شتر **صغین** باکس و کس با کس و مکرر موضعیت نزد یک رقیه بر کس را بخت  
که در آنجا جنگ عظیم میان امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب رضی الله عنه و میان معاویه  
واقع شد و جوان این دانه در غره صغیر شد در صغیر ما و ما با کس میان و  
از آن اخترازی است **صغون** بالغه بر سکه با صم با چهارم ایستادن اسب بر او  
مرد هر دو قدیم و زدن آن بر زمین **صافن** رک ساق و اسبی که بر سکه با و کس را  
ایستاد **صغوان** بالغه سنگ هموار و نام مردیست که منافقان تهمت ام المومنین علی  
بدان نسبت کرده بودند **صغای** کوی **صغیر** این سوادای دلمین که خیر اصفه است  
صافی از نمت صفوان بخراسان یا **صمن** باکس شتر و یون بول کوزان و اول  
ابام عجز و زنبیل بر پوشیده که در آن مان گذارند **صمان** بالغه بوی بقیع **صمان**  
باکس برادران مادری و پدری و در ختی می خرم اما کز یک سج با هم بر آمده باشند  
و بغیر نیز آمده جمع صفاست باکس و بالغه **صغین** و **صغوان** بکس در کس و اول آن در صا  
و دوجوی که نزدیک یکدیگر باشند و آب هر دو از یک حوض باشد و در دخت با  
کز یک سج بر آمده باشند تیسر صفاست **صغلی** بالغه صا و لام معرب چوکان **صون**  
بالغه کف در شستن و بر طرف سم ایستادن اسب جهت آمود کس از بی غلی **صوان**  
بهر حرکت جامه داران و نخته که در آن صفت کف پاره اند و بختین صمان بهر حرکت  
و صوان معنی غلات گمان نیز آمده و بالغه و نشدند و اولویت از سنگ صوانه و نشد